



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۳/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

موضوع: مسائل مستحدثه/مصرف خمس و زکات برای مبارزه با

کرونا / مبانی عامه و خاصه

۱. حدیث اخلاقی

عن علی علیه السلام قال صلوات الله و سلامه علیه: **قيمة كل****امرء ما يعلمه. [۱]**

ارزش انسان به دانستنی‌های انسان است. البته دانستنی اگر تبدیل به دارایی وجودی بشود که قطعاً می‌شود آن موقع ارزشمند است. در واقع فرمایش حضرت بیان و تفسیر آیه شریفه قرآن است که در سوره مبارکه زمر ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾. [۲] آیا آنانی که می‌دانند با آنانی که نمی‌دانند مساوی‌اند. قطعاً جواب منفی است. عالمان و غیر عالمان مساوی نیستند. همان طور که برای مسائل علمی برنامه‌ریزی کردید ان شاء الله عللمان به حقیقت برسد و دانستنی‌های ما به دارایی برسد. در اولین روزهای درسی می‌گفتیم بدان ایدک الله نه بخوان.

۲. خلاصه جلسات گذشته

در مسائل مبتلا به بیماری‌های خاص چند مسأله را گذرانیدیم:

وضو، نماز و روزه شخص درگیر با کرونا؛

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه‌ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع‌ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس‌ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس‌ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

به هر شرایطی که بتواند باید بگیرد ولی اگر ضرر و حرج شخصی بود که موکول به خود شخص است نیاز نیست. برای خودش علم یا ظن و یا احتمال عقلایی به وجود ضرر باید داشته باشد. ضرر که آمد نهی می‌آید و نهی در عبادات باعث فساد است. هر مرضی منافات با روزه ندارد. **صوموا تصحّوا** [۳] شامل خیلی مریضی‌ها می‌شود.

۳. مصرف زکات و خمس برای بیماران کرونایی

مسأله بعدی که سعی می‌کنیم امروز زوایای آن را مطرح کنیم و جواب دهیم این است که آیا می‌شود از زکات و اخماس برای افراد مبتلا به این بیماری یا برای افراد درگیر مانند پزشک و دولت و ملت مصرف کرد یا خیر؟

برای بیماران تنفسی و کرونایی و مانند آن خمس و زکات قابل مصرف است یا خیر؟ بیماری عفونی است و اجتماعات، مسجد، حوزه و جاهای مختلف باید ضد عفونی شود، آیا زکوات برای اینها قابل مصرف است یا خیر؟

ابتدا باید سراغ آیات شریفه و روایات برویم.

آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه مصارف زکوات را بیان فرموده است:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۖ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [۴]

اینجا ۸ مورد بیان شده است:

۱. مسکین محتاج زمین گیر است که سؤال می‌کند ولی فقیر

نه. مسکین اسوأ حالا است.

۲. فقیر

۳. عاملین زکات

۴. برای تألیف قلوب گرچه دشمن باشد برای عدم مزاحمت

مسلمانان که دلشان نرم شود.

۵. برده آزاد کردن. آیا زندانی آزاد کردن هم هست؟ بله اشکالی ندارد.

۶. کسانی که ضرر کردند و بدهکارند و ورشکست شده‌اند.

۷. در راه خدا آنچه متعلق به حضرت حق است

۸. در راه مانده

۳.۱. مبانی عامه

در این که موارد مصرف زکات در راه خدا می‌شود مصرف کرد شکی نیست و اختلافی بین عامه و خاصه نیست. اختلاف در این است که مذاهب اربعه اهل سنت معمولاً مورد مصرف "فی سبیل الله" را جنگجویانی می‌دانند که نیاز به آلات جنگی و پشتیبانی اقتصادی دارند.

۳.۱.۱. مراد از فی سبیل الله

حنفی‌ها: "وفي سبيل الله" هم الفقراء المنقطعون للغزو في سبيل الله على الأصح. [۵]

حنبلی‌ها: ﴿وفي سبيل الله﴾ هو الغازي إن لم يكن هناك ديوان يتفق منه عليه، ويعطى ما يحتاج إليه من سلاح، أو فرس، أو طعام، أو شراب، وما يفي بعودته. [۶]

رای شافعی نیز همین است: "وفي سبيل الله" هو المجاهد المتطوع للغزو، وليس له نصيب من المخصصات للغزاة في الديوان، ويعطى منها ما يحتاج إليه ذهاباً وإياباً وإقامة، ولو غنياً، كما تعطى له نفقة من يمونه وكسوته، وقيمة سلاح وفرص، ويهيأ له ما يحمل متاعه وزاده إن لم يعتد حملها. [۷]

مالکی نیز همین نظر را دارد. [۸]

۳.۱.۲. نحوه مصرف زکات

در طریقه مصرف تفاوتی دارند. آیا زکات را به هشت قسم تقسیم کنیم یا به تنها به یکی می‌توان داد؟ در اینجا هم اختلاف

است:

ويجب في الزكاة تعميم الأصناف الثمانية إن وجدوا، سواء فرقها الإمام أو المالك. إلا أن المالك لا يجب عليه التعميم. إلا إذا كانت الأصناف محصورة بالبلد ووفى بهم المال. وإلا وجب إعطاء ثلاثة أشخاص من كل صنف، وإن فقد بعض الأصناف أعطيت للموجود. واختار جماعة جواز دفع الزكاة ولو كانت زكاة مال لواحد، وتشترط نية الزكاة عند دفعها للإمام. أو المستحقين، أو عند عزلها. [٩]

اگر بودند از هر صنف سه نفر را انتخاب می‌کنیم چون اقل جمع سه نفر هستند. مگر نباشند.

برخی گفتند به فرد واحد می‌شود داد.

٣.٢. مبانی خاصه

اکثر فقها بر عروه حاشیه دارند و ما حرف سید یزدی را به عنوان منبع عرض می‌کنیم:

السابع: سبيل الله وهو جميع سبل الخير كبناء القناطر والمدارس والخانات والمساجد وتعميرها وتخليص المؤمنين من يد الظالمين ونحو ذلك من المصالح كإصلاح ذات البين، ودفع وقوع الشرور والفتن بين المسلمين، وكذا إعانة الحجاج والزائرين وإكرام العلماء والمشتغلين مع عدم تمكنهم من الحج والزيارة والاشتغال ونحوها من أموالهم، بل الأقوى جواز دفع هذا السهم في كل قرية مع عدم تمكن المدفوع إليه من فعلها بغير الزكاة، بل مع تمكنه أيضا، لكن مع عدم إقدامه إلا بهذا الوجه. [١٠]

سبيل خير اعم از سبيل الله است. هرچه مصلحت عمومی داشته باشد عنوان فی سبيل الله دارد.

امام در تعلیقه: لا یبعد أن يكون سبيل الله هو المصالح العامة للمسلمين والإسلام كبناء القناطر وتعمير الطرق والشوارع وما به يحصل تعظيم الشعائر وعلو كلمة الإسلام أو دفع الفتنة والفساد

عن حوزة الإسلام وبين القبيلتين من المسلمين وأشباه ذلك لا

مطلق القربات كإصلاح بين الزوج والزوجة والوالد والولد. [۱۱]

منفعت عامه چه نفع باشد چه دفع و چه رفع. اگر حل اختلافات

خانوادگی مصرف شود جایز نیست چون مصلحت عامه نیست.

آقای خوئی هم مصلحت عامه را مطرح کرده‌اند: بل خصوص ما

فيه مصلحة عامة. [۱۲]

عامه سبیل الله را فقط برای جنگ می‌دانند ولی شیعه هر کار

خیر عمومی فی سبیل الله محسوب می‌شود ولی کارهای خصوصی

را شامل نمی‌شود.

شیخ طوسی: سبیل الله یدخل فيه الغزاة في الجهاد، و الحاج، و

قضاء الديون عن الأموات، و بناء القناطر، و جميع المصالح.

[۱۳]

شیخ طوسی در مبسوط: یدخل في سبیل الله معونة الحاج و

قضاء الديون عن الحي و الميت و جميع سبیل الخير و المصالح،

و سواء كان الميت الذي يقضى عنه إذا لم يخلف شيئا كان ممن

يجب عليه نفقته في حياته أو لم يكن، و یدخل فيه معونة الزوار و

الحجيج و عمارة المساجد و المشاهد و إصلاح القناطر و غیر

ذلك من المصالح، و الغزاة يأخذون الصدقة مع الغنى و الفقر، و

یدفع إليهم قدر كفايتهم لذهابهم و مجيئهم على قدر كفايتهم من

كونهم رجالة و فرسانا، و من له صاحب و من ليس له كذلك، و

على قدر السفر إن كان طويلا أو قصيرا. و متى أعطي الغازي ذلك

و خرج و غزا وقعت الصدقة موقعها، و إن بدا له فلم يخرج أو

رجع من الطريق استرجع منه. [۱۴]

مرحوم سید مرتضی در انتصار فرمودند:

و مما انفردت به الإمامية: القول بأن الزكاة يجوز أن يكفن منها

الموتى و يقضى بها الدين عن الميت. و باقي الفقهاء يخالفون في

ذلك كله. و الحجة لأصحابنا: مضافا إلى إجماعهم، قوله تعالى

في آية وجوه الصدقة: «وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ»، و معنى
سبيل الله الطريق الى ثوابه و الوصلة إلى التقرب إليه، و لما كان ما
ذكرناه مقربا إلى الله تعالى و موصلا إلى الثواب جاز صرفه فيه.
[۱۵]

به نظر ما هر چه قرينة الى الله باشد و في سبيل الله باشد، در
صورت ضرورت در مصالح خاصة هم به کار برده می شود. بلکه
احتیاط در مصالح عامه است.

مرحوم طبرسی در مجمع در ذیل آیه می فرمایند: «وَفِي سَبِيلِ
اللَّهِ» و هو الجهاد بلا خلاف و یدخل فيه عند أصحابنا جميع
مصالح المسلمين. [۱۶] ایشان ادعای اجماع کرده اند. اثبات
شیء نفی ما عدا نمی کند.

مرحوم محقق در شرایع فرمودند: وفي سبيل الله: وهو الجهاد
خاصة وقيل: یدخل فيه المصالح، كبناء القناطر، والحج، ومساعدة
الزائرين، وبناء المساجد، وهو الأشبه. والغازي يعطى، وإن كان غنيا
قدر كفايته على حسب حاله. وإذا غزی لم یرتجع منه، وإن لم يغز
أستعید. [۱۷]

مرحوم سید رضوان الله علیه در عروه، السابع می فرمایند و هو
جميع سبل الخير... بل الأقوى... فی کل قرينة. [۱۸]

در برخی نسخه ها در فی کل قرينة هست. یعنی در جمعیت و هر
تشکلی که هدف خاصی دارند قرینه گفته می شود. ولی به نظر فی
کل قرينة است. در این صورت معنایش این است که می توانیم در
مصرف خیر از امور داشته باشیم.

مرحوم آقای بروجردی هم در حواشی دارند: اذا كان من
المصالح العامة الدينية. [۱۹]

مرحوم صاحب جواهر در ج ۱۵ ص ۳۶۸
السادس او السابع فی سبيل الله. برای اینکه اختلاف نظر است
مصارف زکات هفت مورد است یا هشت مورد.

والسادس أو السابع في سبيل الله وهو في المقنعة والنهاية والمراسم والإشارة على ما حكي عن بعضها الجهاد السائع خاصة وقيل والقائل الأكثر بل المشهور يدخل فيه المصالح كبناء القناطر والحج ومساعدة الزائرين وبناء المساجد وجميع سبل الخير ، بل عليه عامة المتأخرين ، بل في الخلاف والغنية الإجماع عليه ومن هنا كان هو الأشبه مضافا إلى اقتضاء اللفظ ذلك ، إذ السبيل هو الطريق فإذا أضيف إلى الله سبحانه كان عبارة عن كل ما يكون وسيلة إلى تحصيل رضا الله وثوابه ، فيتناول الجهاد وغيره. [٢٠]

این عبارت خوبی است. گداهای می گویند بده در راه خدا! تعبیر خوبی است.

آنچه باعث شده برخی استفاده جهادی داشته باشند این است که جهاد و حج جزو مطالب مسلم است. مبنای ما در اصول و فقه تمثیلی است اینها را به عنوان تمثیل می دانیم.

٣.٣. روایات

روایات هم صحیحه است در نتیجه عرض ما این است که از این روایات هم در بحث وصیت و هم در مصارف زکوات آمده است.

[٢١]

محمد بن الحسن یاسناده عن علي بن إبراهيم أنه ذكر في تفسيره تفصيل هذه الثمانية الأصناف فقال: فسر العالم عليه السلام فقال: الفقراء هم الذين لا يسألون وعليهم مؤنات من عيالهم والدليل على أنهم هم الذين لا يسألون قول الله تعالى " للفقراء الذين أحصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الأرض يحسبهم الجاهل أغنياء من التعفف تعرفه بسيماهم لا يسألون الناس إلحافا " والمساكين هم أهل الزمانات وقد دخل فيهم الرجال والنساء والصبيان، والعاملين عليها هم السعاة والجباة في أخذها وجمعها وحفظها حتى يؤدوها إلى من يقسمها، والمؤلفة قلوبهم قال: هم قوم وحدوا الله وخلعوا عبادة من دون الله ولم يدخل المعرفة قلوبهم أن محمدا

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يتألفهم ويعلمهم ويعرفهم كيما يعرفوا، فجعل لهم نصيبا في الصدقات لكي يعرفوا، ويرغبوا وفي الرقاب قوم لزمته كفارات في قتل الخطأ وفي الظهار وفي الايمان وفي قتل الصيد في الحرم وليس عندهم ما يكفرون وهم مؤمنون، فجعل الله لهم منهما في الصدقات ليكفر عنهم، والغارمين قوم قد وقعت عليهم ديون أنفقوها في طاعة الله من غير إسراف فيجب على الامام أن يقضي عنهم ويكفهم من مال الصدقات، وفي سبيل الله قوم يخرجون في الجهاد وليس عندهم ما يتقوون به، أو قوم من المؤمنين ليس عندهم ما يحجون به أو في جميع سبل الخير، فعلى الامام أن يعطيهم من مال الصدقات حتى يقووا على الحج والجهاد، وابن السبيل أبناء الطريق الذين يكونون في الاسفار في طاعة الله فيقطع عليهم ويذهب مالهم فعلى الامام أن يردهم إلى أوطانهم من مال الصدقات. [٢٢]

محمد بن علي بن الحسين بإسناده عن علي بن يقطين أنه قال لأبي الحسن الأول عليه السلام: يكون عندي المال من الزكاة فأحج به موالي وأقاربي؟ قال: نعم لا بأس. [٢٣]

محمد بن إدريس في (آخر السرائر) نقلا من نوادر أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، عن جميل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الصلوة أيجزه الرجل من الزكاة؟ قال: نعم. [٢٤]

عن سهل بن زياد، عن محمد بن الوليد، عن يونس بن يعقوب أن رجلا كان بهمدان ذكر أن أباه مات وكان لا يعرف هذا الامر فأوصى بوصية عند الموت، وأوصى أن يعطى شئ في سبيل الله، فسئل عنه أبو عبد الله عليه السلام كيف نفعل، وأخبرناه أنه كان لا يعرف هذا الامر فقال: لو أن رجلا أوصى إلى أن أضع في يهودي أو نصراني لوضعته فيهما، إن الله تعالى يقول: " فمن بدله بعد ما

سمعه فإنما إثمه على الذين يبدلونه " فانظروا إلى من يخرج إلى

هذا الامر " الوجه خ ل " يعني بعض الثغور فابعثوا به إليه. [۲۵]

روایت یونس بن یعقوب: اگر وصیت کننده‌ای به من بگوید مالش را به یهودی یا نصرانی بدهم برای اینکه مصداق آیه او بدّله ... نباشم به او می‌دهم.

۴. نتیجه بحث و نظر نهایی

مرحوم صاحب جواهر این گونه می‌فرماید:

فلا ريب حينئذ في أن الأقوى عمومته لكل قرية ، فيداخل حينئذ جميع المصارف ويزيد عليها ، وإنما يفارقها في النية ، ضرورة شموله لجميع القرب من بناء خانات وتعمير روضة أو مدرسة أو مسجد أو إحداث بنائها ، أو وقف أرض أو تعميرها ، أو وقف كتب علم أو دعاء ونحوها ، أو تزويج عزاب أو غيرهم ، أو تسهيل نخل أو شجر أو ماء أو مأكول أو شيء من آلات العبادة ، أو إحجاج أحد أو إعانة على زيارة أو في قراءة أو تعزية ، أو تكريمة علماء أو صلحاء أو نجباء ، أو إعطاء أهل الظلم والشر لتخليص الناس من شرهم وظلمهم ، أو إعطاء من يدفع ظلمهم ويخلص الناس من شرهم ، أو بناء ما يتحصن به المؤمنون عنهم ، أو شراء الأسلحة لدفاعهم ، أو إعانة المباشرين لمصالح المسلمين من تجهيز الأموات أو خدمة المساجد والأوقاف العامة أو غير ذلك.

[۲۶]

این قرینه هم فردی است و هم جمعی.

اگر در برخی موارد مصالح شخصیه اقتضا کرد مثلاً زن و شوهری با مصرف زکات کارشان حل می‌شود، می‌توان داد. گرچه تقدم با مصالح عمومی است.

در عناوین قبلی شاید عدالت و اسلام و این موارد شرط است ولی در سبیل الله اینها شرط نیست.

نوبت به اصول نمی‌رسد. اطلاعات آیه با روایات کاملاً می‌تواند مصرف در این موارد انجام شود.

عرض ما این است که می‌شود در همه مصارف مصرف کرد ولی مصالح عامه را در نظر بگیرند. در اصلاح ذات البین قبایل شکی نیست؛ در اصلاح شخصی هم ارتباطی به مسائل جمعی داشته باشد. ارتباط هم پیدا می‌کند. برای شستشوی معابر و مساجد و آنچه مربوط به مریضی‌ها است اشکالی ندارد.

زکات نیاز به اجازه مجتهد ندارد ولی خمس نیاز به اجازه دارد که اگر اجازه دهد قابل مصرف هست.

در نتیجه مصرف زکات و سهم امام برای مبارزه با بیماری کرونا اشکالی ندارد و جزو مصارف فی سبیل الله محسوب می‌گردد.

[۱] هدایة العلم فی تنظیم غرر الحکم، شیخ الإسلامی، السید

حسین، ج ۱، ص ۵۶۰.

[۲] زمر/سوره ۳۹، آیه ۹.

[۳] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي،

ج ۵۹، ص ۲۶۷.

[۴] توبه/سوره ۹، آیه ۶۰.

[۵] الفقه علی المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيري، ج ۱،

ص ۵۶۳.

[۶] الفقه علی المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيري، ج ۱،

ص ۵۶۵.

[۷] الفقه علی المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيري، ج ۱،

ص ۵۶۶.

[۸] الفقه علی المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيري، ج ۱،

ص ۵۶۳.

- [٩] الفقه على المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزيري، ج ١، ص ٥٦٧.
- [١٠] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ١٢٠.
- [١١] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ١٢٠.
- [١٢] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ١٢١.
- [١٣] الخلاف، الشيخ الطوسي، ج ٤، ص ٢٣٦.
- [١٤] المبسوط في فقه الإمامية، الشيخ الطوسي، ج ١، ص ٢٥٢.
- [١٥] الانتصار في انفرادات الإمامية، السيد الشريف المرتضي، ج ١، ص ٢٢٤.
- [١٦] مجمع البيان في تفسير القرآن - ط دار المعرفة، الشيخ الطبرسي، ج ٥، ص ٦٥.
- [١٧] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلي، ج ١، ص ١٢٢.
- [١٨] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ١٢١.
- [١٩] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٤، ص ١٢١.
- [٢٠] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ١٥، ص ٣٦٨.
- [٢١] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٦، ص ١٤٣، أبواب المستحقين للزكاة، باب ١، ح ٣، ط الإسلامية.
- [٢٢] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٦، ص ١٤٥، أبواب المستحقين للزكاة، باب ١، ح ٦، ط الإسلامية.

[۲۳] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۶، ص ۲۰۱،

أبوابالمستحقين للزكاة، باب ۴۲، ح ۱، ط الإسلامية.

[۲۴] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۶، ص ۲۰۲، أبواب

المستحقين للزكاة، باب ۴۲، ح ۴، ط الإسلامية.

[۲۵] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱۳، ص ۴۱۴،

أبواب كتاب الوصايا، باب ۳۳، ح ۴، ط الإسلامية.

[۲۶] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن،

ج ۱۵، ص ۳۷۰.

